

# تأثیر رشد و گسترش محاکم و مراجع قضایی بر انسجام و همگونی سیستم حقوقی بین المللی

نوشته: جانان چارنی\*

## مقدمه

اشاره:

یکی از ویژگی های نظام حقوق بین الملل، اتکای آن بر محور همکاری و تعامل میان بازیگران بین المللی است. در این راستا است که در آن اقتدارات فرا کشوری به سبک و سیاق حقوق داخلی وجود ندارد.

یکی از نتایج این امر، تعدد مراجع بین المللی بویژه نهادهای قضایی به تبع اراده دولتهاست. مساله این است که با وجود تعدد محاکم بین المللی و فقدان سلسله مراتبی رسمی میان آنها، وضعیت همگونی و انسجام سیستم حقوقی بین المللی چگونه است و آیا این تعدد می تواند خطری برای این سیستم باشد؟ با توجه به اینکه کمیسیون حقوق بین الملل این موضوع را در دستور کار بررسی های خود قرار داده است، بر گردان مقاله پروفیسور چارنی، استاد فقید حقوق بین الملل، تقدیم خوانندگان گرامی می شود.

انتشار این شماره از مجله حقوق و سیاست بین الملل، با چاپ مجموعه ای از سخنرانی های من درباره موضوع این سمپوزیوم که به تازگی انجام شده اند نیز همراه شده است. این سخنرانیها بر سوالات متعدد و بی شماری متمرکز می باشند که سازمان دهندگان سمپوزیوم را به تشکیل چنین نشست و ادا داشته است. به یقین، عنوان مشخص شده توسط این سمپوزیوم، عنوانی گسترده، مهم و مشکل است. دیدگاههایی که من در این حوزه ارائه می کنم ممکن است نتوانند به طور مناسبی این مسایل و پرسش ها را مورد توجه قرار داده یا حل نمایند. این امر کاملاً درست می باشد. زیرا شرکت کنندگان در این سمپوزیوم دیدگاهها و تخصص خاص خود را ارائه داده اند. خوشبختانه، کوششهایی که من صرف مطالعه پیرامون این موضوع کرده ام، از تاثیری که محاکم بین المللی ممکن است بر روی نظام حقوقی بین المللی بر جای گذارند، درک بهتری ارائه خواهند داد.

برای جلوگیری از تکرار سخنرانیهای لاهه در این نوشتار، افرادی که علاقمند به شواهد و بررسی های گسترده تر پیرامون مسایلی هستند که نتایج این نوشتار بر مبنای آنها استوارند، باید مقاله های مندرج در دروس آکادمی لاهه<sup>۱</sup> را مورد بررسی قرار دهند. در اینجا

\* J.charney, The Impact on the International Legal System of The Growth of International Courts and Tribunals, New York Uni. Journal of International Law, (vol.31,1999) .pp. 697 - 708.

به طور خلاصه به نتایج بدست آمده از این سخنرانی‌ها اشاره خواهم کرد و برخی از دیدگاه‌های دیگری را که پس آن به ویژه در نتیجه مشارکت در این سمپوزیوم بدست آورده‌ام را نیز ارائه خواهم داد.

### بند اول: پدیده تعدد محاکم بین المللی و علل بروز آن

هنگامی که بررسی علل گسترش کنونی تعداد دادگاه‌های بین المللی و سایر دیوانها آغاز می‌شود، این گسترش باید در متن مناسب تاریخی قرار بگیرد. مسلماً وجود یک دادگاه بین المللی دایمی واجد صلاحیت قضایی عمومی، حاصل و مخلوق قرن بیستم است. پیش از تاسیس دیوان دائمی دادگستری بین المللی<sup>۳</sup> (PCIJ) متعاقب جنگ جهانی اول، بسیاری از دادگاه‌های ویژه و موقتی متعددی تاسیس و به کار گرفته شده‌اند. حتی پس از اینکه دیوان بین المللی دادگستری<sup>۴</sup> (ICJ) در نتیجه جنگ جهانی دوم تاسیس شد، استفاده از محاکم موقتی نیز (گرچه به صورت محدود و اندک) ادامه یافت. بنابراین دیوان بین المللی دادگستری هرگز به تنهایی به عنوان دادگاهی انحصاری برای رفع اختلافات براساس حقوق بین الملل، به پا نخواست است. این دیوان همیشه با دیگر مجامع<sup>۵</sup> یا مراجع ثالث مربوط به حل و فصل اختلافات، همزیستی داشته است. در پی تاسیس محاکم دائمی و شاید استفاده کمتر از محاکم موقتی، تحولات اخیر در حال تغییر دادن محیط بین المللی هستند. به نظر می‌رسد که در سالهای اخیر میزان تغییر و دگرگونی محاکم موقتی به دائمی، به طور چشمگیری روزه افزایش گذاشته است.

از این رو، دولتهایی که درگیر اختلاف بین المللی شده‌اند، نسبت به گذشته طرق حل اختلاف بیشتری در اختیار دارند. دلایل موجه بسیاری به توضیح این مطلب کمک می‌کنند که چرا دولت‌ها و سایر اعضای جامعه بین المللی ترجیح می‌دهند محاکم بین المللی متنوعی برای حل اختلافات شان در اختیار داشته باشند. این دلایل از جمله عبارتند از: میل برای پنهان کاری، کنترل و نفوذ در ترکیب مجامع، وجود مجامعی که بتواند به اختلافاتی که واحدهای غیردولتی در آنها بعنوان طرف دعوی حضور می‌یابند، رسیدگی نمایند.

### بند دوم: آثار مثبت و منفی تعدد محاکم بین المللی

در صورتی که دولتها سیستمی واجد راه‌حلهای چندگانه‌ای را برای حل و فصل اختلافات بین المللی ترجیح بدهند، این سؤال پیش می‌آید که آیا ممکن است سلسله مراتبی در بین آنها برقرار شود یا خیر؟

برای من روشن است که جامعه بین المللی نمی‌تواند و نخواهد توانست که سلسله مراتبی از محاکم بین المللی را برقرار کند که در پرتو آن، دیوان بین المللی دادگستری یا هر دادگاه دیگری بعنوان «دیوان عالی حقوق بین الملل»<sup>۶</sup> در راس حقوق بین الملل قرار گیرد. با این که دلایل این امر بسیار زیاد هستند، دو دلیل اصلی آن عبارتند از: اولاً این حقیقت که توافق جهانی یا تقریباً جهانی دولتها برای تن دادن به هر مرجع ویژه‌ای واجد این وضعیت، به لحاظ عملی و سیاسی غیرممکن می‌باشد و ثانیاً چنین «دیوان عالی»، میل جامعه بین المللی به تنوع بخشی به این مراجع را تضعیف می‌کند؛ زیرا بسیاری از مزایای متیقن این مراجع، پیوستن به چنین ساختار سلسله مراتبی را غیرممکن خواهد ساخت.

رسیدگی به دادگاهی با صلاحیت قضایی عام، هر کدام از ویژگیهایی (نظیر صلاحیت‌های ویژه اعضای پانل) که سایر مراجع را در نگاه اول جذاب می‌سازد، تامین می‌نماید. از این رو، تعداد

زیادی از محاکم بین المللی مستقل بعنوان بخشی از سیستم حقوقی بین المللی، برای آینده‌ای قابل پیش بینی باقی خواهند ماند. در نتیجه این امر، این سؤال پیش می‌آید که آیا افزایش محاکم بین المللی، انسجام سیستم حقوقی بین المللی را تهدید می‌کند یا خیر؟ نه تنها این امکان وجود دارد که تعدد دیدگاهها درباره هنجارهای حقوق بین الملل، عقیده وجود یک سیستم حقوقی بین المللی واحد را تضعیف کند بلکه اگر دعاوی مشابه مورد رسیدگی یکسان قرار نگیرند، اساس سیستم دستوری حقوق [بین الملل] از بین خواهد رفت.

بر مبنای این پیشرفت، مشروعیت حقوق بین الملل در کلیت آن در معرض خطر قرار خواهد گرفت. در سخنرانیهای لاهه، این سؤال را از دیدگاه نظری مورد بررسی قرار داده و اساساً چند دکترین حقوق بین الملل عمومی را که توسط برخی محاکم بین المللی مورد عمل قرار گرفته بودند، از نظر حقوق تطبیقی مطالعه نمودیم. دکترین‌های مذکور عبارت بودند از حقوق معاهدات، منابع حقوق بین الملل، مسئولیت دولت، پرداخت غرامت به خاطر خسارت وارده بر بیگانگان، طی کلیه مراحل داخلی جبران خسارت،<sup>۸</sup> تابعیت و حقوق حاکم بر مرزهای بین المللی دریایی. در این میان، رویه قضایی توسعه یافته توسط دیوان بین المللی دادگستری، دیوان دادگستری اروپایی، دادگاه حقوق بشر اروپایی و دادگاه حقوق بشر آمریکایی، هیات حل اختلاف سازمان تجارت جهانی<sup>۹</sup> و موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت<sup>۱۰</sup> (GATT)، دیوان داوری دعاوی ایران - آمریکا، محاکم موقتی ایجاد شده برای تصمیم‌گیری پیرامون اختلافات مربوط به حقوق بین الملل و چندین دادگاه اداری سازمانهای بین المللی را مورد بررسی قرار دادیم. در این میان، به این نتیجه رسیدیم که دادگاههای مختلف بین المللی اواخر قرن بیستم، در مورد مسایل بنیادین حقوق بین الملل، دیدگاههای نسبتاً یکسانی را ارائه کرده‌اند. گرچه تفاوتهایی میان آنها وجود دارد اما این محاکم به روشنی به یک دیالکتیک مشابه اشتغال دارند. اصول این حقوق بین الملل عام بدون توجه به تصمیمات موردی دادگاهها، به صورت مشابه و یکسان باقی می‌مانند.

اما افزایش شمار محاکم حقوقی بین المللی و فقدان یک سیستم

**دولتهایی که درگیر اختلاف بین المللی شده‌اند، نسبت به گذشته طرق حل اختلاف بیشتری در اختیار دارند. دلایل موجه بسیاری به توضیح این مطلب کمک می‌کنند که چرا دولت‌ها و سایر اعضای جامعه بین المللی ترجیح می‌دهند محاکم بین المللی متنوعی برای حل اختلافات شان در اختیار داشته باشند**

سلسله مراتبی موثر که پاسخهایی قطعی به اختلافات را بر طبق هنجارهای بین المللی عرضه کند، بدین معناست که یکنواختی کامل تصمیمات، غیرممکن می‌باشد. از طرف دیگر، واضح و مبرهن است که محاکم بین المللی موجود، به پیروی از استدلالهای مندرج در تصمیمات قبلی شان تمایل [زیادی] دارند. علاوه بر این، به دیدگاههای دیوان بین المللی دادگستری اهمیت و ارزش بسزایی

داده می شود و این دیدگاهها اغلب در نگرشهای دیگر محاکم بین المللی مورد توجه قرار می گیرند. از این رو، [برخلاف آنچه در ابتدا به نظر می رسد] امروزه عملکردهای مختلف دادگاههای بین المللی، تهدیدی برای انسجام سیستم حقوقی بین المللی پدید نمی آورند.

پیش بینی آینده، کار دشواری است. با وجود این، مشخص نیست که در آینده تعداد بیشماری از دادگاههای جدید خلق می شوند یا خیر. ممکن است که به خاتمه تأسیس محاکم بین المللی جدید به ویژه محاکم دائمی برسیم. به هر حال، گرچه خطرات همیشه وجود دارند ولی با توجه به درسها و تجارب گذشته، حفظ همین تعداد از محاکم یا حتی افزایش تعداد آنها، مشکلاتی را برای حقوق بین الملل پدید نمی آورد.

یکی از نقاط قوت تعدد و چندگانگی محاکم بین المللی این است که تا حدی فضا را برای بررسی، تحقیق و تجربه [قضات] فراهم می کند، این امر می تواند به پیشرفتهایی در حقوق بین الملل منجر گردد. فقدان یک سیستم کاملاً سلسله مراتبی، فرصتی برای محاکم بین المللی پدید می آورد تا در [شکل گیری و شناسایی] عقاید جمعی که ممکن است در حقوق بین الملل عام وارد شوند، نقش آفرینی نمایند. این امر ارزیابی عقاید مذکور توسط جامعه بین المللی در کلیت آن را نیز تسهیل می نماید. در نهایت، بهترین عقاید، مورد پذیرش وسیع [محاکم] قرار خواهند گرفت و در بدنه حقوق بین الملل وارد می گردند. به هر حال، در برخی موارد [استفاده از] راه حل‌های منحصر به فرد برای شرایط ویژه، راه حل و انتخاب بهتری

## روشن است که جامعه بین المللی نمی تواند و نخواهد توانست که سلسله مراتبی از محاکم بین المللی را برقرار کند که در پرتو آن، دیوان بین المللی دادگستری یا هر دادگاه دیگری بعنوان «دیوان عالی حقوق بین الملل» در راس حقوق بین الملل قرار گیرد

خواهد بود. [وجود] ساختار کاملاً سلسله مراتبی برای تصمیمات بین المللی ممکن است محدودیت‌های نامطلوبی را بر توسعه حقوق بین الملل عام و حقوق خاص برای مسایل خاص، بر جای بگذارد.

### بند سوم: نقش دیوان بین المللی دادگستری در انسجام حقوق بین الملل

استدلال بر اینکه این دادگاهها برای حل قضایای ارجاع شده از دیوان بین المللی دادگستری کمک بگیرند، بسیار دشوار می باشد. چرا که این امر، دیوان را از ایفای نقش صحیح و به حق خود در قضاوت پیرامون حقوق بین الملل باز می دارد.<sup>۱۱</sup> حتی با وجود افزایش شمار دادگاههایی که درباره مقولات حقوقی بین المللی تصمیم گیری می کنند، انکار نقش دیوان محتمل به نظر نمی رسد. در عوض، دیوان در سالهای اخیر با سنگین ترین پرونده ها در تاریخ خود روبرو بوده است.<sup>(۱)</sup> علاوه بر این، در طی این دوره، دیوان برای تصمیم گیری

پیرامون برخی از داغ ترین پرونده ها از دیدگاه سیاست بین المللی، فراخوانده شده است.<sup>(۳)</sup>

با وجود این، حقیقت این است که مقایسه تعداد دعاوی رسیدگی شده توسط دیوان و دیگر دعاوی رسیدگی شده توسط دادگاههای عالی داخلی یا حتی سایر دادگاههای دائمی حل اختلافات بین المللی نشان می دهد که تعداد پرونده های دیوان نسبتاً کم هستند. بر مبنای این واقعیت می توان ادعا کرد که دیوان به عنوان محکمه ای با اندک دعاوی ارجاعی باقی می ماند.

با وجود این، با توجه به محدودیت ظرفیت دیوان، قضاوت آن تنها شماری معدود و محدود از دعاوی را در بر می گیرد. اما این امکان برای دیوان وجود دارد که آیین خود را به منظور رسیدگی به دعاوی بیشتر، کارآمد نماید. مهلت زمانی برای تسلیم لوائح، لوائح متقابل و سایر اسناد معمولاً طولانی هستند و صرفاً به صورت موردی تعیین می گردند. هیچ گونه محدودیتی در خصوص مدت زمان رسیدگی به این مدارک وجود ندارد. استماع شفاهی دیوان ممکن است هفته ها به طول بیانجامد. فرایندهای داخلی دیوان برای رسیدن به یک تصمیم و اصدار احکام برای تمام قضات، امور بسیار مشکلی هستند و وقت قابل توجهی را صرف خود می نمایند. علاوه بر این، نظریات مستقل و مخالف [قضات دیوان] می توانند رسیدگی به دعوی را طولانی تر کنند.

تغییر بنیادین آیین های سنتی رسیدگی دیوان ممکن است دشوار باشد. حتی در صورتی که خود دیوان تمایل به این امر داشته باشد، مشخص نیست که دولتها حاضر باشند تغییرات قابل توجهی که چنین اهداف موثری را بهبود بخشند، بپذیرند. هنگامیکه دولتهای حاکم، علیه یکدیگر اقامه دعوی می کنند، نمی خواهند توسط آیین هایی تحت فشار قرار بگیرند که توان آنها را برای اقامه دعاویشان به طور کامل و دقیق آن گونه که دوست دارند، محدود می کند.

دلایل این نگرش تقریباً به روابط بین المللی و حساسیت های سیاست داخلی دولتها مربوط می شوند. به همین شکل، تسریع بیش از حد این بخش از مقررات دیوان ممکن است از مشروعیتی که احکام دیوان باید داشته باشند، بکاهد. در واقع، ویژگی مشورتی و کامل بودن دیوان ممکن است برای جذب برخی دعاوی به دیوان و اضافه شدن بر اقتدار تصمیمات و آرای آن ضروری باشد.

نمی توان گفت که دیوان نباید با سرعتی که لازم است رسیدگی کند یا آن که آیین های آن نباید بهبود یابد. بعنوان مثال اخیراً در قضیه کنوانسیون وین روابط سیاسی<sup>(۵)</sup> مشخص گردیده است که دیوان می تواند سریعاً قرار اقدامات موقت حمایتی صادر نماید. این مثال، همچنین حساسیت موجود در اقتدار دیوان را اثبات می کند. دیوان سریعاً به اتخاذ اقدامات موقت حمایتی پرداخت و به ایالات متحده دستور داد تمام اقدامات در توان خود را به عمل آورد تا از اعدام «آقای بریارد» توسط ایالات ویرجینیا جلوگیری کند. با وجود این، قوه مجریه ایالات متحده موضعی قوی را، آنچنان که باید، اتخاذ نکرد تا در نتیجه آن بتواند حکم [اعدام وی] را به تأخیر بیاورد. دیوان عالی ایالات متحده از صدور دستور تأخیر در اعدام امتناع ورزید و فرماندار ایالت ویرجینیا نیز به حالت تعلیق در آوردن اجرای آن وارد کرد.<sup>(۶)</sup>

فرهنگی بین المللی وجود ندارد که به آرای دیوان، اقتدار کامل و خودکار ببخشد. این امر گویای آن است که تغییرات اساسی برای تسریع آیین های رسیدگی دیوان به منظور افزایش ظرفیت رسیدگی آن ممکن است عاقلانه نباشد. در واقع، دیوان گامهایی را برای بهبود

آیین های رسیدگی خود برداشته است. اما جامعه بین المللی نیز تلویحاً از تقویت دیوان جلوگیری نموده و در برابر آن ایستاده است. در نتیجه، دیوان گامهایی را برای افزایش تاثیر آیین های داخلی اش، ترغیب دولت های خواهان به ارائه ادعاهای کتبی شفاف تر و منجزتر، فراهم کردن امکان دسترسی سریع و آسان همگان به قرارها و احکام خود از طریق شبکه اینترنتی جدید آن<sup>(۷)</sup> برداشته است.

از طرف دیگر، سازمان ملل محدودیت های بودجه ای شدیدی را بر دیوان تحمیل نموده که به موجب آن به توانایی دیوان برای رسیدگی به دعاوی زیاد صدمه زده است. تفاوت فاحش بودجه تخصیص یافته به دیوان (۱۱ میلیون دلار) در مقایسه با بودجه ای که برای دیوان کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق تخصیص داده شده بود (۷۰ میلیون دلار)، نشان دهنده عدم علاقه بخشی از جامعه بین المللی به تقویت دیوان تا حد یک دیوان عالی بین المللی است.<sup>(۸)</sup> حمایت شدید ابراز شده در خصوص تأسیس دیوان کیفری بین المللی<sup>(۹)</sup> (ICC) در کنفرانس رم در سال ۱۹۹۸، گواه دیگری بر این نتیجه گیری می باشد.

به رغم محدودیت ها و موانعی که در بالا شرح داده شد، ما شاهد گسترش کلی و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی از طریق مراجع حقوق مدار<sup>(۱۰)</sup> بوده ایم.

این امر به نظر می رسد که بازتابی از پرنگ شدن حقوق بین الملل در حل و فصل اختلافات بین المللی و ایجاد محیط مناسب و سالم برای رخداد این امر می باشد. اگر غیر از این بود، کشورها و دیگر اشخاص بین المللی کمترین اختلافات را به مراجع حقوقی بین المللی ارجاع می دادند. این امر ممکن است بازتاب این حقیقت باشد که سایر مراجع به ویژه در مورد موضوعاتی که شامل مقوله هایی کمتر نگران کننده هستند، یا کشورهایی را شامل می شوند که نزد دیوان نمی تواند طرف دعوی به حساب آیند، مکمل هایی ضروری برای دیوان هستند.

این حقیقت که فقط دولت - کشورها هستند که نزد دیوان می توانند طرف دعوی قرار گیرند،<sup>(۱۱)</sup> ممکن است دلایل ایجاد سایر محاکم و این که آنها [در مقایسه با دیوان] دعاوی بیشتری را جذب می کنند، توضیح داده و تشریح نماید.

تأسیس و کاربرد مراجع متعدد ثالث برای تصمیم گیری در خصوص مسایل حقوق بین الملل به معنای آن است که بیشتر مسایل بین المللی بر اساس حقوق بین الملل در حال حل و فصل در آن مراجع هستند. این امر بر آن دسته از تصمیمات مبتنی بر حقوق بین الملل که از خصوصیت امری برخوردار بوده و جامعه بین المللی می تواند بر آنها تکیه نماید، خواهد افزود. متأسفانه، دیوان بین المللی دادگستری برای بررسی کلیه این مسایل بی شمار و گاه بسیار تخصصی مجهز نبوده و از توان لازم برخوردار نیست. در کل، مراجع دیگر بدون توجه به خطر برخی ناهمگونی ها [در تصمیمات]، کار دیوان را تکمیل می کنند و سیستم حقوق بین الملل را تقویت می نمایند.

به یقین، هدف اصلی سیستم حقوقی بین المللی این است که جامعه بین المللی را در راستای جلوگیری از وقوع اختلافات یاری کند و در صورت وقوع این اختلافات، در حل آنها کمک نماید. بسیاری از مراجع قضایی موجود در راستای تحقق این دو هدف گام بر می دارند. آنها اغلب در زمینه [رسیدگی به] اختلافاتی که داخل در حوزه صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری نیستند، از صلاحیت اجباری برخوردارند. در آن وضعیت ها، دولت ها [بخوبی] می دانند که اگر اختلافی بروز نماید، ممکن است مجبور شوند نزد

یک دادگاه از دعاوی خود دفاع نمایند. از آنجا که دولت ها خواستار آنند که از حضور خود به عنوان خواننده در مراجع ثالث حل اختلاف جلوگیری نمایند، این امر انگیزه آنها را برای خودداری از تخلف از تعهدات حقوقی شان تقویت می کند. اگر آنها متهم به [ارتکاب] یک تخلف بشوند، تلاش خواهند کرد تا در خصوص حل و فصل دیپلماتیک اختلاف مذاکره نمایند. در پی امکان و قابلیت طرح دعوی، احتمالاً حل و فصلی مذاکره شده تحت تاثیر حقوق بین الملل قرار خواهد گرفت. نهایتاً اگر اختلاف نتواند به صورت دیپلماتیک حل و فصل شود، صلاحیت دادگاه ممکن است درخواست شود و [سپس] اختلاف بر اساس قرار یا حکمی که خود مستند به حقوق بین الملل است، فیصله گردد. در نتیجه، چندگانگی و گوناگونی مراجع حل و فصل اختلاف این احتمال را افزایش می دهد که اختلاف با یا بدون طرح دعوی، بر اساس حقوق بین الملل حل و فصل گردد.

به رغم تصمیمات سایر محاکم، تصمیمات و آرای دیوان بین المللی دادگستری از بیشترین اهمیت برخوردارند. زیرا حقوق بین الملل عام (عرفی) را در آراء یا نظرات مشورتی کاملاً استدلالی خود منعکس ساخته و مورد توجه قرار می دهند. به ویژه این احتمال نیز وجود دارد که قضاوت شرکت کننده در صدور رای نهایی دیوان (در صورت صدور نظریات فردی مستقل یا مخالف)، نظریات متفاوتی داشته باشند. واقعیت این است که دیوان بین المللی دادگستری از موقعیتی برخوردار است که نظرات و دیدگاههای آن در خصوص مسایل حقوق بین الملل عام (عرفی) را واجد اهمیت ویژه می نماید.

## تأسیس و کاربرد مراجع متعدد ثالث برای تصمیم گیری در خصوص مسایل حقوق بین الملل به معنای آن است که بیشتر مسایل بین المللی در آن مراجع بر اساس حقوق بین الملل در حال حل و فصل هستند. این امر بر آن دسته از تصمیمات مبتنی بر حقوق بین الملل که از خصوصیت امری برخوردار بوده و جامعه بین المللی می تواند بر آنها تکیه نماید، خواهد افزود

به یقین، دیوان قادر است برای ارائه دیدگاههای پدید آمده در خصوص حقوق بین الملل عام (عرفی)، این موضع را حفظ کرده یا بر آن تکیه نماید. جامعه بین المللی آماده است تا دیدگاههای دیوان در خصوص این حقوق را کاملاً جدی بگیرد و اگر دیوان صلاحیتی سطح بالا بیابد و نظرات خود را به طرف استدلالی و منطقی ارائه نماید، این امر را ادامه دهد تا بدین طرق، تصمیمات و دیدگاههای مذکور که کاملاً فراسوی صلاحیت مشهور و معمول دیوان هستند، بر روند حقوق بین الملل عام (عرفی) تأثیر بگذارند. به رغم این واقعیت که جامعه بین المللی، وضعیت دیوان عالی حقوق بین الملل با اقتدار رسیدگی جهانشمول<sup>(۱۲)</sup> را به دیوان بین المللی دادگستری اعطا نکرده است، این امر صحت دارد.

پس دیوان در حفظ انسجام و پیوستگی حقوق بین الملل حتی به رغم فقدان چنین صلاحیتی، نقش مهمی را ایفاء می کند. هم اعضای دیوان بین المللی دادگستری و هم اعضای ملل متحد مسئولیت دارند تضمین نمایند که دیوان به ایفای این نقش ارزشمند ادامه دهد. از

آنجا که محاکم و حقوقدانان درگیر با کلیه محاکم بین‌المللی معمولاً از دیدگاه‌های سایر محاکم به ویژه دیوان بین‌المللی دادگستری بخوبی آگاهند، این تصمیمات در خصوص مسایل حقوقی مشابه مطروحه نزد سایر مراجع حل اختلاف، نصب العین قرار می‌گیرند. پس بین محاکم بین‌المللی، میزان قابل توجهی از تنقیح و تکمیل متقابل صورت می‌پذیرد. در این محیط، دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان قدرتی شگفت‌انگیز باقی می‌ماند. آرای دیوان بین‌المللی دادگستری به طور مرتب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و در کلیه آرا و تصمیمات محاکمی که به مسایل حقوق بین‌الملل می‌پردازند، بعنوان مرجع، اشاره می‌شوند. تغییر این وضعیت [دیوان] در آینده‌ای نزدیک، غیرمحمتمل است.

از طرف دیگر، اکنون معلوم شده که سکوت دیوان خطر اساسی در بر ندارد و دیوان در به هم بافتن پاره‌های حقوق بین‌الملل، نقش رهبری ایفا می‌نماید. این پاره‌ها نه تنها در منابع اصلی سنتی این حقوق بلکه در تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر محاکمی که به مسایل حقوق بین‌الملل عام (عرفی) می‌پردازند، وجود ندارد. از این رو، امور اغلب به دیوان ارجاع می‌شوند تا دیوان تنها براساس حقوق بین‌الملل عام (عرفی) تصمیم‌گیری نماید. کلیه محاکم دیگر موجود تنها با اختلافاتی سروکار دارند که در چارچوب رژیم معاهده‌ای ایجاد کننده آن (محاکم) بروز نمایند. این گستره محدود، مانع از آنست که آنها بتوانند بعنوان مرجعی قطعی رسیدگی به مسایل حقوق بین‌الملل عام عمل نمایند. این نقش عملاً به دیوان بین‌المللی دادگستری اختصاص یافته است. دیوان می‌تواند تحولات حقوق بین‌الملل را در طیف کامل روابط بین‌المللی، مد نظر قرار دهد.

در نتیجه، تصمیمات دیوان دیدگاه و چشم‌انداز دادگاهی را منعکس می‌سازد که از محدودیت‌های مضیق‌ی که یک رژیم خاص ممکن است بر یک مرجع [حل اختلاف] تحمیل نماید، مصون باقی مانده است. از این رو، نظریات دیوان در مورد حقوق بین‌الملل عام (عرفی) ضرورتاً از نظریات مشابه محاکم واجد صلاحیت تخصصی و دیدگاه‌های محدودتر، اهمیت

**دیوان بین‌المللی دادگستری ممکن است احکام و آرای خود را به گونه‌ای که گویی یک دیوان عالی بین‌المللی است، تقریر نماید و صراحتاً دیگر نظریات و دیدگاه‌های حقوقی بین‌المللی را که توسط سایر محاکم به کار رفته است، بررسی کند. با تکیه بر این تحلیل‌های آشکار، دیوان می‌تواند تصمیماتی کاملاً استدلالی و منطقی صادر نماید و در آنها دیدگاه‌های سایر محاکم را بررسی کند**

بیشتری دارند. نقش رهبری دیوان، حفظ و توسعه حقوق بین‌الملل عام (عرفی) را تقویت می‌نماید. محاکم دیگر [نیز] ممکن است در مورد اختلافات تصمیم‌گیری کرده و رأی صادر نمایند اما این تنها دیوان است که بر حقوقی که اجرا می‌کند (حتی اگر از تصمیمات سایر مراجع مطلع باشد)، مهر تایید می‌گذارد. از آن دید، سایر مراجع به تشخیص مسایل مهم حقوق بین‌الملل که شایسته

توجه دیوان بین‌المللی دادگستری هستند، کمک می‌کنند. حتی اگر دیوان به عنوان دیوان عالی حقوق بین‌الملل تأسیس نشده باشد، این دیوان با [عملکردهای مختلف از جمله] تأیید تفسیری خاص از این حقوق می‌تواند قاعده‌ای را آنچنان که دولتها و سایر محاکم احتمالاً از آن تبعیت می‌کنند [یعنی قادر به اجرای آن باشند] تقویت نماید.

### نتیجه‌گیری

اگر چه [پدیده] تنوع و گوناگونی میان محاکم تصمیم‌گیرنده در باب مسایل حقوق بین‌الملل، در خصوص انسجام حقوق بین‌الملل و مشروعیت آن به عنوان سیستمی حقوقی چندان مهم نیست، این نکته را نباید از نظر دور داشت که ممکن است در آینده مشکلات زیادی پدید آید.

محاکم متعدد بین‌المللی غیر از دیوان بین‌المللی دادگستری که در مقاله‌های اینجانب در لایه بررسی شده‌اند، از دستور کارهای خاص خود برخوردارند. آنها در جهت منافع دولت‌هایی که با ایجاد رژیمهای قراردادی، به تأسیس آنها اقدام کرده‌اند، عمل می‌نمایند.

تبعیت از این رژیم قراردادی ممکن است از وفاداری به سیستم حقوقی بین‌المللی به عنوان یک کل، بیشتر شود. این محاکم تخصصی، این خطر را در بردارند که نیروهای گریز از مرکزشان، آنها را در جهت‌هایی متفاوت از هسته حقوق بین‌الملل بکشانند.

در نتیجه، این محاکم تخصصی ممکن است در تصمیمات خویش پیرامون حقوق بین‌الملل عام (عرفی)، تنوع بیشتری بیافرینند و به انسجام و همگونی سیستم حقوقی بین‌المللی صدمه بزنند.

اگر یک سیستم قضایی سلسله‌مراتبی<sup>۶</sup> برای حقوق بین‌الملل نباید پدیدار گردد، در برابر نیروهای گریز از مرکز مذکور، دو عامل بعنوان نیروهای منفی مقابل عمل خواهند کرد: اولاً دیوان بین‌المللی دادگستری باید به حفظ نقش رهبری معنوی خود در این عرصه ادامه دهد. اگر بدین نحو عمل نماید، سایر محاکم تحت فشار قرار خواهد گرفت تا از تصمیمات دیوان در خصوص حقوق بین‌الملل تبعیت نمایند. ثانیاً، سایر محاکم و دیوان بین‌المللی دادگستری باید ترغیب شوند تا گفتگو و تفاهمی را که قبلاً میان آنها وجود داشت، افزایش دهند. این ایده که کلیه این محاکم در تلاش مشترک شرکت دارند، مورد تأکید قرار خواهد گرفت. این امر در عین این که هنوز استقلال این محاکم را میسر می‌سازد، ممکن است فشار زیادی را علیه نیروهای گریز از مرکز وارد آورد.

علاوه بر این، دیوان بین‌المللی دادگستری ممکن است احکام و آرای خود را به گونه‌ای که گویی یک دیوان عالی بین‌المللی است، تقریر نماید و صراحتاً دیگر نظریات و دیدگاه‌های حقوقی بین‌المللی را که توسط سایر محاکم به کار رفته است، بررسی کند. با تکیه بر این تحلیل‌های آشکار، دیوان می‌تواند تصمیماتی کاملاً استدلالی و منطقی صادر نماید و در آنها دیدگاه‌های سایر محاکم را بررسی کند. احتمال دارد که این نقش آفرینی‌ها حتی اهمیتی بیشتر از آنچه تاکنون داشته، پیدا نماید. تفسیر یک قاعده حقوق بین‌الملل عام (عرفی) که توسط یک دادگاه ارایه شده و سپس توسط دیوان مورد بررسی قرار

گرفته و رد شده است، استمرار حفظ این دیدگاه را برای آن دادگاه مشکل خواهد ساخت. علاوه بر این، اگر دیدگاههای محاکم دیگر توسط دیوان بین‌المللی دادگستری مورد تأیید قرار گیرد، می‌توانند با قوت تمام به حفظ آن دیدگاهها و استمرار آنها مبادرت ورزند. از طرف دیگر، این محاکم ممکن است برای پذیرش دیدگاههای مورد تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری، بیشتر ترغیب شوند. بدون شک، افزایش گفتگو بین محاکم خواه به صورت صریح یا ضمنی، برای جلوگیری از نیروهای بالقوه گریز از مرکز، مهم خواهد بود. به رغم این خوش بینی، اگر در یک دوره زمانی از حیات چندگانگی محاکم بین‌المللی کنونی دقیق‌تر شویم، خطرات [زیادی] را مشاهده خواهیم کرد.

این محاکم و دولتهای تأسیس‌کننده آنها ممکن است آن چنان انشعابی را در حقوق بین‌الملل پدید آورند که پیوستگی، انسجام و همگونی این سیستم حقوقی را تهدید نماید. دولتها و محاکم تأسیس شده توسط آنها باید نسبت به این احتمال نامطلوب حساس باشند. با این که انشعاب، تجربه و رقابت ارزشمند هستند، پیوستگی و انسجام حقوق بین‌الملل برای حفظ یک سیستم باید به منظور جلوگیری از خطرات غیرضروری، نسبت به حفظ درجه‌ای مناسب از همگونی حساس باشند.

به همین دلایل، نتیجه می‌گیریم مدرکی وجود ندارد که نشان دهد انسجام حقوق بین‌الملل به دلیل افزایش شمار محاکم بین‌المللی، مورد تهدید جدی و مهم قرار گرفته است. با این حال، کلیه شرکت‌کنندگان در این سیستم لازم است نسبت به خطرات نهفته در این «سیستم عدم تمرکز» حساس بوده و در خصوص جلوگیری از اقداماتی که احتمال تجزیه این سیستم را دارند، دقیق باشند ■

#### یادداشت‌های پایانی:

<sup>۱</sup>- Jonathan I. Charney, Professor of Law, Vanderbilt University; "The Impact on the International

Legal System of the Growth of International Courts and Tribunals", **New York University Journal of International Law and Politics**, (Vol. 31, 199), pp. 697 – 708.

<sup>۱</sup>- Collected Courses (recueil Des Cours) of the Hague Academy.

<sup>۱</sup>- Permanent Court of International Justice (PCIJ).

<sup>۱</sup>- International Court of Justice.

<sup>۱</sup>- در اینجا، مقصود از مجامع، Tribunals می‌باشد.

<sup>۱</sup>- Third – Party Settlement of Disputes.

<sup>۱</sup>- Supreme Court of International Law.

<sup>۱</sup>- Exclusion of Local Remedies.

<sup>۱</sup>- The World Trade Organizations (WTO).

<sup>۱</sup>- General Agreement on Tariffs and Trade

<sup>۱</sup>- به نظر می‌رسد که مقصود نویسنده این است که این گونه نقش‌آفرین‌ها، خارج از اساسنامه دیوان بوده و دیوان را از حدود وظایف قانونی و حقیقی خود فراتر می‌برد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

International Criminal Court.  
<sup>۱</sup>- Law – Based Tribunals.

<sup>۱</sup>- اگر به سایت اینترنتی دیوان مراجع شود، در زیر عنوان «اطلاعات عمومی» این مطلب به صورت برجسته آمده است که: تنها دولتها هستند که می‌توانند نزد دیوان طرف دعوی قرار گیرند. ر.ک. به:

< www. icj. icj. org / icj www / igeneralinformation / ib book / B book frame page. htm >.

<sup>۱</sup>- The Supreme Court of International Law with universal authority.

<sup>۱</sup>- منظور این است که همانند سیستم‌هایی حقوقی داخلی که برای کنترل برتری قانون اساسی و سایر قوانین برتر، تدابیری قضایی پیش‌بینی می‌کنند، در حقوق بین‌الملل هم بایسته که تدابیر قضایی برای کنترل رعایت قواعد حقوق بین‌الملل پدیدار می‌گشت. ولی چنین بی‌بستگی به ایجاد اقتدارات فراقشوری در نه بین‌المللی دارد که این خود با حاکمیت آنها (حداقل به مفهوم امروزی آن) غیر قابل می‌باشد.